

ترا آئینه آگه سازد از زیبایی و زشستی  
بلی انسان هنر جز از دل روشن نم آید



دو هفته نامه فرهنگی ، سیاسی و صنفی بسیج دانشجویی / نیمه دوم فروردین ماه ۹۷ / سال نهم / شماره ۸۰

# دختران خیابان انقلاب

وعده های انقلاب  
مهره ها در دست بازیگرانی  
جامعه مهدوی



# دختران خیابان انقلاب

اندیشه

کرامت و حیثیت زن و پاسخ دادن به امیال و احساسات زن همچون عفاف است. در نگاه دیگر حفظ حجاب توسط زن از مصالح اجتماعی است. در جمله معروفی است که (همه از دامن کوتاه نفع می برند بجز خیاطان) می دانیم که مردان نیز کم از زنان در آزادی حجاب نفع نمی برند لذا زنان نباید به سمتی حرکت کنند که ابزاری در دست مردان قرار گیرند. در کشور های متدن نیز محدودیت هایی برای حفظ مصالح اجتماعی وجود دارد. مسئله دیگر ادعا رکود فعالیت ها در زنان است، در اسلام جامعه را به دو بخش تبدیل می کند، بخش کار و فعالیت و خانواده، اسلام هر گونه رابطه زن و مرد را در خارج خانواده جایز نمی داند زیرا باعث از بین رفتن کار و فعالیت می شود. جالب است که می توان تصور کرد که شاهد این خواهیم بود که زنان ساعت ها در حال آرایش و ژست ها هستند و مردان نیز در حال چشم چرانی! آیا این گونه می خواهیم شاهد آرامش روانی جامعه باشیم. در زمان حال شاهد آن هستیم که دختر یکی از سران نظام که نماینده دوره پنجم پارلمان بوده است، پول کلانی را خرج می کند که روزنامه نگاران لس آنجلسی بر تیل و موج آزادی حجاب بکوبند و این چنین شاهد کمپین (آزادی یواشکی) مسیح علی نژاد که روزی خبرنگار همین روزنامه های زنجیره ای بوده است هستیم. از طرف دیگر سازمانی مانند منافقین که خود زنان که مجبور به ازدواج با مردان چریک و منع آنان از مادر شدن مدعی حقوق زنان می شود. حال که شاهد این هستیم که کشور های توسعه یافته به سمت بازگشت به خود و فرهنگ کهن ملل خود هستند در کشور شاهد هجران شکنی دخترانی در خیابانی مانند انقلاب هستیم. این نگاه به غرب و عبور از تاریخ ۲۵۰۰ ساله که توسط فرهیختگان لیبرال داخلی صورت می پذیرد نه تنها بازگشت به عقب است، بلکه زبانی به کشور خواهد زد که هیچ فردی نمی تواند جبران کند. دختران خیابان انقلاب، دخترانی بودند که فقط با مختصات غرب آشنا هستند. دخترانی بودند که خواهان انقلاب در انقلاب جوان خویش هستند. دخترانی که همچون دیدگاه شهید مرتضی مطهری از دیدگاه مذهبی پدران خود بی خبر و با فرهنگ خود غریبه هستند. دختران خیابان انقلاب صدایی هستند که باید شنیده شود.

نادیده گرفت. حال این سوال مطرح می شود که چرا باید حجاب در ایران این چنین مورد توجه باشد؟ در کشورهای تمدن یافته به دلیل رشد فکری زنان در طبقات مختلف، زنان به تدریج به رقابت با مردان در عرصه های متفاوت می پردازند و چون در نابرابری جسمی در برابر مردان قرار دارند با روش های همچون برگزاری همایش ها و تظاهرات و... به مقابله صلح آمیز می پردازند. چند دلیل برای حجاب می توان بر شمرد: امنیت مهم ترین رکن این دلایل است. زنان چون خود را مورد خطر قرار دیدند، با برگزیدن حجاب به مقابله با شرایط اجتماعی برخوردند. حال سوال اینجاست که آیا تمدن و قانون بر افزایش امنیت نسبت به دوران ساسانی تاثیر گذاشته است؟ نمی توان نقش قانون را در ایجاد امنیت جزئی دانست اما در عین تعجب شاهد مواردی بسیاری از بد عملکرد تمدن هستیم. مثال ساده در این زمینه می توان وجود معشوقه ها و زن سرا ها در کشورهای متمدنی همچون ایران و یونان دانست در عین حال در کشورهای بدوی همچون عربستان به دلیل زندگی قبیله گی شاهد امنیت و ثبات جنسی بیشتری هستیم. در زمان معاصر نیز شاهد آمار های وحشتناکی از تجاوز به عنف در جامعه مدنی همچون آمریکا در روزنامه ها و جریده ها هستیم. در روزنامه آسودشیتیرس تحقیق به عمل آمد نشان می دهد در هر شش ماه ۳۰۰۰ شکایت هتک ناموس ثبت می شود که مدرکی انکار ناپذیر بر این ادعا است. از دلایل دیگر می توان به پدر سالاری، استثمار زنان، ویژگی های روانپزشکی زنان و مردان دانست که هیچ یک به اندازه امنیت نقش ایفا نمی کند. در زمان معاصر مسئله حجاب در دوران مشروطه به دلیل اجازه زنان به تحصیل مطرح شد و پس از کشف حجاب رضا خان در سال ۱۳۱۴ شکل جدیدی به خود گرفت. روشنفکران دوره معاصر بر مواردی همچون عدم آزادی زنان، اجازه زنان به هر گونه روابط مشروع و غیر مشروع با جنس مخالف خود، عدم نیاز به واحدی همچون خانواده و انجام ازدواج سفید، رکود فعالیت زن به واسطه حجاب و افزایش التهاب ها در مردان دانست اما در نظر قشر مذهبی و مردمی که باور به فرهنگ ۲۵۰۰ ساله خویش دارند حجاب را سلب آزادی از زن نمی دانند. حجاب در فرهنگ ما نه از مرد به زن تحمیل می شود و نه به معنا مجبوس بودن زن در خانه است بلکه رعایت حجاب باعث حفظ

محمد امین علمائی



عمران ۹۳

مسئله حجاب در ایران به تاریخ پیش از ظهور اسلام می رسد. در متون کهن می توان شروع مسئله پوشش و حجاب را از زمان داریوش هخامنشی در ایران دانست. ویل دورانت تاریخ نویس معاصر در کتاب تاریخ تمدن ها می نویسد: «پس از داریوش هخامنشی، زنان طبقات بالای اجتماعی جرات نمی کردند جز در تخت روان پوشش دار تردد کنند. زنان شوهر دار حق نداشتند پدر و برادر خود را ببینند.» او یکی از سندهای خود را بر حجاب زنان عدم تصاویر بانوان بر روی هیچ شی تاریخی هخامنشی می داند. روند حجاب در ایران در صدهای بعدی رو به رشد قرار می گیرد. مسئله رهبانیت و ریاضت و خواجه گی در نظر بسیاری از تاریخدانان از ایران و هند بنیان می گیرد. به دلیل رشد تمدنی در ایران و ثبات، مردم ایران اولین بخشی از دنیا بودن که به درک تجربیات معنوی و جدایی از مادیات رسیدند. در ادامه حجاب در ایران به گوشه نشینی زنان در خانه تبدیل می شود. در زمان ساسانیان زنان را در خانه از ترس ملوک طوایف ها و شاهزادگان نگه می داشتند و گرنه نه مالک جان خویش بودن و نه همسر خود. ویل دورانت در باره این وقایع به داستانی اشاره می کند: «انوشیروان به همسر یکی از فرماندگان خود تجاوز می کند، فرمانده پس از مطلع شدن از این موضوع، همسر خود را طلاق می دهد. وقتی انوشیروان به او می گوید که چرا همسر خود را طلاق دادی او در جواب می گوید: جای پای شیرری را در بوستان خود دیدم. ترسیدم که مرا بدر. ویل دورانت حتی این ادعا را می کند که حجاب فعلی اسلامی از ایران به عربستان بعد از قرن اول هجری منتقل شد. البته می دانیم که آیات حجاب قبل از حمله اعراب به ایران نازل شده است اما این واقعیت که سخت شدن حجاب در عربستان را در پی حمله اعراب به ایران را نمی توان

شماره ۸۰ تقدیم به

شهید دکتر مجید صفاری



شهید دکتر مجید صفاری

پراتن: باز

فهرست

اندیشه

انقلاب دختران

برونده ویژه

وعده های انقلاب

نگاه ملی

خیانت به جامعه علمی کشور

مهره ها در دست بازیگران

فرهنگ نگار

جامعه مهدوی

وعده های دروغین

هیات شوق خدمت

در مسیر انقلاب

اعتدال و نهی از منکر

نگاه ویژه

آزادی

فضای مجازی و راهکار ها

پاورقی

انستاگرافی

بر قله افتخار

راه های ارتباطی:

https://t.me/nashraeenen



www.bas-fum.ir

09354408704



دو هفته نامه سیاسی فرهنگی، اجتماعی، صنفی صاحب امتیاز

بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول

محمد امین علمائی

سردبیر

سید هادی حسینی

طراح

محمد امین علمائی

طراح جلد

حسین فکور

دبیر تحریریه:

محمد رضا حمیدری (دبیر سیاسی) علی غفاری (دبیر

فرهنگی) مرتضی سعادی (دبیر اجتماعی) وحید صفری

(دبیر صنفی)

هیات تحریریه: آقایان: ابوالفضل محسنی، امیر محمد سعیدی، علی

یوسفی، پارسا افشار، محمد باقری، جواد هاشمی، سجاد طالبی، معین میر حسینی،

وحید صفری، علی صالحی نیامیلاد روزبه ای، وحید خضری، حسن روشن، صادق

بنایی، امیر عباس پور، محمد امین وفائی نجا، محمد مهدی معین، امیر محمد

سعیدی، علی یوسفی، محسن عابدان زاده، امیر علی ابراهیمی، احمد رضا

سابقی، سجاد طالبی، رضا عاقبتی، امین سروانی، مهدی شیعہ زاده، معین میر

حسینی، محمد رضا محمودی، امیر مهدی افشار، جواد هاشمی، امیر عباس

پور، علی ازغندی، میلاد روزبه ای، محمد حسین کاظمی، محمد جواد زارعی،

عماد حسینی، امیر گل مکاتی، علی غضنفری، علی رضا حاجی حسینی، هاشم

عامری، محمد جواد کیش باغان، سجاد کمالی نیا، علی رئیس زاده، امیر علی

عظیمیان، علی غفاری، ایمان جعفری، وحید خضری، علی قلم شاهی، جواد

هاشمیان، مجتبی غلامی، اسماعیل ساری، علی موسوی، خانم ها: محدثه

نخودچی، طاهره سادات موسیان، غفت خادمی پور











نگاه ملی

از دانشگاه های کشور را با محدودیت های بیشتری

مواجه خواهد کرد. دولت در توجیه چرایی کاهش بودجه دانشگاه های مادر با تکیه بر محدودیت منابع مالی موجود، بیشتر دانشگاه ها را به تلاش

برای کسب درآمدهای اختصاصی تشویق کرده و در رابطه با شرایط پیش آمده هشدار داده بود. بیشتر و در همین رابطه، معاون اداری مالی وزارت علوم با توجه به احتمال بالای کاهش منابع مالی دولتی، ارائه فعالیت ها و پروژه های پژوهشی، تکمیل آزمایشگاه ها و زیرساخت های پژوهشی به ویژه را با هدف کسب درآمد اختصاصی را به دانشگاه

های کشور متذکر شد و بهره گیری از کمک های خیرین را یکی از راهکارهای جبران محدودیت های مالی دانست. بنابراین، در شرایطی که رتبه بندی های جدید علمی دانشگاه های کشور، کاهایت از رشد روزافزون دانشگاه های عربستانی و برخی دیگر از کشورهای منطقه مثل ترکیه و مصر دارد و برخی دانشگاه های ایران از جمله تبریز، صنعتی شریف، فردوسی مشهد در این رتبه بندی ها با کاهش رتبه رو به رو هستند، کاهش بودجه دانشگاه های بزرگ کشور قابل تأمل است. برای نمونه، در شرایط کنونی، عربستانی ها با صرف هزینه های زیاد تلاش دارند اساتید و دانشجویان نخبه جهانی را حتی برای دوره های کوتاه زمانی در هر سال به دانشگاه های بزرگ خود بکشانند و با تأمین حداکثری ضمن بهره مندی از توان علمی، آنها را ترغیب کنند در مطالعات و پژوهشهای خود نام دانشگاه های عربستانی را در مقالات و طرحهای پژوهشی خود درج کنند و در این فرایند، دانشگاههای ملک عبدالعزیز و ملک عبدالله با ارسال ایمیل به دانشمندان تراز اول جهان و طرح پیشنهاد همکاری در ازای یک همکاری مختصر که شامل دو بار حضور در سال و هر بار یک هفته در دانشگاه و پرداخت کلیه هزینه هاست از آنها میخواهند نام دانشگاههای عربستان در مقالات علمی خود را که در فصلنامه های معتبر علمی منتشر میشوند، بیاورند؛ اتفاقی که نیاز به هزینه های زیادی دارد و البته رتبه این دانشگاه های عربستانی را در سالهای

اخیر به شکل چشمگیری بهبود داده است. رقابت دانشگاههای ایرانی با دانشگاههای بزرگ خاورمیانه از یک سو و عواملی دیگر مثل رشد روز افزون تکنولوژی که نیاز به ابزارهای پیشرفته مطالعاتی را ایجاب میکند، در کنار افزایش ظرفیت دانشگاههای کشور و سیر صعودی تورم به شکل مشخص نیازهای مالی دانشگاه ها را نیز افزایش داده است. هرچند در چنین شرایطی، افزایش منابع مالی دانشگاهی به موضوعی بدیهی تبدیل شده است و انتظار این بود که در لایحه بودجه سال ۹۷ منابع مالی تخصیص یافته به دانشگاه ها رشد داشته باشد، مروری بر لایحه بودجه

۹۷ بیانگر این حقیقت است که بودجه بسیاری از دانشگاه های کشور و به ویژه دانشگاه های مادر کاهش یافته است. اینکه دانشگاه‌های کشور مسیر خود را از دریافت منابع مالی مستقیم از دولت به سمت جذب منابع مالی جدید از طریق فعالیت‌های پژوهشی و یا کمک‌های خیرین بکشانند، موضوع بدی نیست؛ اما در سال‌های گذشته دیده شد که بسیاری از دانشگاه‌های کشور برای جبران کاستی‌های مالی راه ساده‌تری یعنی جذب دانشجوی پولی را در دستور کار قراردادند؛ طرحی که نه تنها نتوانست منابع مالی مطمئنی را برای دانشگاه‌ها فراهم کند، بلکه هزینه‌هایشان را نیز افزایش داد و ضربات سنگینی نیز به ساختار علمی کشور زد. با شرایط پیش آمده در سال آینده نیز دانشگاه‌های کشور به ناچار راهکارهای ساده‌ای مثل جذب دانشجوی پولی، کاهش حجم فعالیت‌های پژوهشی، عدم تجهیز آزمایشگاه‌ها به امکانات پیشرفته، کاهش امکانات رفاهی دانشجویان ... و را در دستور کار قرار خواهند داد و با این فرایندها نباید از این دانشگاه‌ها انتظار رقابت با دانشگاه‌های رو به صعود جهان را داشت.

# مهره ها در دست بازیگران



نگاه ملی

**انگلیس و آمریکا چنان واکنشی نشان می‌دهند که آل سعود به راحتی نتواند از این قضیه پا پس بکشد! نتیجه آنکه کسی انتظار واکنش جدی از دولت نسبت به اقدامات آل سعود را نداشت و البته ندارد و نخواهد داشت! لازم به ذکر است که زمانی که سفارت عربستان به آتش کشیده شد عربستان سفیر خود را فراخواند**

جلوی سفارت صف کشیدند تا سفارت به آتش کشیده شود و سپس آنها وارد عمل شوند. جالب است که بدانید رسانه های اصلاحات عموماً این اتفاق را به سپاه نسبت می‌دانند! (کسانی که فرق بین سپاه و نیروی انتظامی را نمی‌دانند!) از دلایل و بیانات گفته شده برمی‌آید که عربستان از قبل برنامه ریزی برای چنین اتفاقی کرده بوده! البته ناگفته نماند که حسن روحانی و همراهان هم از این موضوع به اندازه کافی بهره برداری کردند. در واقع از این اتفاق و فجایع رخ داده در قبل از آن بر می‌آید که عربستان قصد قطع ارتباط با ایران را داشته و با غفلت یا همراهی دولت حسن روحانی به هدفشان نیز رسیدند. کمی به قبل از حمله به سفارت برگردیم. ابتدا در فرودگاه جده دو سربراز عربستانی به دو جوان ایرانی تجاوز کردند. این دو سربراز بوسیله مفتی اعظم آل سعود و بسیاری دیگر مورد تشویق و تقدیر قرار گرفتند! در پی این اتفاق شاهد واکنش و پیگیری نصفه و نیمه دولت بودیم. پس از آن فاجعه منا و سقوط جرقفیل رخ داد که در پی آن بیش از ۵۰۰ زائر ایرانی به شهادت رسیدند! (جالب است که با وجود جمعیت بسیار کمتر زوار ایرانی و عراقی نسبت به زوار سایر کشورها، ایران و عراق رتبه اول دوم کشته شدگان را داشتند!) در این زمان دولت نه تنها اقدام و واکنش متناسب و جدی نشان نداد، بلکه به دولت عربستان بدهکار هم شده بود! دولت حسن روحانی حتی توانایی و قدرت پس گرفتن اجساد زوار به شهادت رسیده را نداشت! این دولت که همواره مدعی سیاست خارجی قوی بوده و فردی چون ظریف!!!! را قهرمان سیاسی می‌داند حتی توان پس گرفتن اجساد را نداشت. چه رسد به خونخواهی و اعاده حیثیت این عزیزان شهید. در حالی که قاضی زاده وزیر بهداشت و ظریف وزیر امور خارجه فقط مذاکره می‌کردند، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با یک سخنرانی و با کلیدواژه «واکنشی سخت و خشن» ستون های حکومت آل سعود را به لرزه درآوردند. در پی این واکنش مقام معظم رهبری پادشاه و وزیر امور خارجه عربستان فوراً پیام تسلیت فرستادند و کمی بعد از آن ایران توانست اجساد حاجیان شهید را پس بگیرد و عربستان ملزم به پرداخت دیه شد! در تمامی این قضایا نکته قابل توجه این است که دولت کجا قرار داشت؟ چه کرد؟! آیا دولت قصد داشت با مذاکره ۱۰۰ (منظور مذاکره دولت با کسانی که قصد مذاکره ندارند!) یا به عبارت دیگر مذاکره دولت با هیچکس!) موضوع را حل کند! چرا دولت واکنش جدی نشان نداد! مگر سیاست شوخی است؟! از دو حالت خارج نیست. یا دولت به قدری در سیاست خارجی ضعیف و ناتوان است که توان تشخیص نوع واکنش محترمانه و تند را ندارد و یا دولت از این رفتارش منفعت یا قصد و غرضی داشته است! اما سوال این است که آیا از چنین دولتی که فکر می‌کند

محمد رضا حیدری



برق ۹۵

این مقاله به هیچ وجه قصد توجیه اقدام حمله کنندگان به سفارت را ندارد. هدف این مقاله بررسی نقش دولت حسن روحانی در قضایا می‌باشد. مهم ترین دلیل حمله به سفارت عربستان و آتش زدن آن ضعف و ناتوانی دولت حسن روحانی در سیاست خارجی است. پس از بریده شدن سر (باشمشیر!) حضرت آیت الله نمر باقر النمر رهبر شیعیان عربستان بعنوان تروریست بدست حکومت جنایتکار عربستان در ۱۲ دی ۱۳۹۴ توده‌ای از مردم برای ابراز مخالفت و عصیانیت خود مقابل سفارت های عربستان در مشهد و تهران تجمع کردند. در پی این تجمع عده‌ای از مردم با پایین کشیدن پرچم عربستان و پرتاب مواد آتش زا، سفارت این کشور را به آتش کشیدند. مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با ابراز ناراحتی خویش این اقدام را محکوم کردند. جریان های و احزاب مختلف از اصولگرا گرفته تا اصلاح طلب نیز همین واکنش را داشتند. اما نکته قابل توجه از آن جا پدیدار می‌شود که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، اصولگرایان و جریان های انقلابی این نکته را فراموش نکردند که یک رهبر سیاسی و دینی شیعه در عربستان به شهادت رسیده است. اما جریان اصلاحات و جریان های وابسته به دولت حسن روحانی شهادت آیت الله نمر را محکوم نکردند و تنها به محکوم کردن حمله کنندگان به سفارت و استفاده ابزاری از این موضوع پرداختند. (که مهم ترین جلوه این استفاده ابزاری را حسن روحانی و همراهش در انتخابات نشان دادند) این اتفاق از پیش برنامه ریزی شده بود. این اتفاق در ایام کریسمس (سال نو میلادی ۱۱ دی ۱۳۹۴) رخ داد. یعنی زمانی که حتی سازمان ملل هم در تعطیلات است! سفارت های عربستان از قبل خالی شده بودند و سیاستمداران عربستان انتظار این را داشتند که سفارت هایشان به آتش کشیده شود. (هیچ رسانه داخلی و خارجی مدعی نشد که یکی از مسئولین سفارت عربستان آسیب دیده یا کشته شده!) دولت حسن روحانی هم به جای آنکه به آرام کردن مردم بپردازد و با همراهی مردم این اقدام خصمانه را محکوم کند به سرعت این خبر را تحت عنوان خبر فوری پخش کرد! که به موجب آن خشم توده‌ای بزرگ از مردم را به همراه آورد. در حالی که یکی از دلایل وجود دولت این است که تدابیر لازم را برای این اتفاقات اندیشیده باشد! نیروی انتظامی که وابسته به دولت است نیز اقدامات پیشگیرانه را رها کرد و بدون تدبیر در

باید سر حق بی قید و شرط جان و مال و ناموس مردم خود با دیگر دولت ها مذاکره کند، می‌توان انتظار واکنش جدی داشت؟! کوچک ترین اقدامی که حسن روحانی و همراهانش می‌توانستند در مقابله با اقدامات خصمانه آل سعود انجام دهند، فراخواندن سفیر یا حتی کمتر از آن یعنی تنزل سفیر به کاردار بود! حتی این اقدام را نه برای آرام کردن مردم بلکه جهت موضع گیری سیاسی و نشان دادن واکنش جدی و ابراز ناراحتی ایران علیه آل سعود نکرد! این بی توجهی دولت را با هیچ عقل و منطقی نمی‌توان توجیه کرد! اگر یک فرد انگلیسی یا آمریکایی به چنین شکلی کشته می‌شد انگلیس و آمریکا چنان واکنشی نشان می‌دادند که آل سعود به راحتی نتواند از این قضیه پا پس بکشد! نتیجه آنکه کسی انتظار واکنش جدی از دولت نسبت به اقدامات آل سعود را نداشت و البته ندارد و نخواهد داشت! لازم به ذکر است که زمانی که سفارت عربستان به آتش کشیده شد عربستان سفیر خود را فراخواند و برخی از دولت های عربی با تنزل سفیر به کاردار و اقدامات مشابه این واقعه را محکوم کردند! حال برگردیم به اتفاق حمله به سفارت عربستان که دولت حسن روحانی همواره سعی کرد آن را یک فاجعه جلوه دهد! (که البته واقعا یک فاجعه است.) این اتفاق به این علت رخ داد که کسی انتظار نداشت حسن روحانی مانند قبل واکنشی نسبت به اقدامات عربستان نشان دهد! در نتیجه عده ای خودجوش تجمع کردند و عده ای هم که مشخص نیست از وی خشم و ناراحتی این کار را انجام داده اند یا اجبر شده حزب یا جریانی هستند سفارت را به آتش کشیدند! این واقعه همانطور که گفته شد از جهات مختلف یک فاجعه است. اول اینکه عده‌ای هستند که فکر می‌کنند همه کاره اند و به خود اجازه می‌دهند هر اقدامی را انجام دهند و می‌آیند سفارت یک کشور را به آتش می‌کشند! دوم که در واقع فاجعه اصلی است عدم اعتماد توده بسیار بزرگی از مردم به دولت است! این بی اعتمادی (که البته به حق هم هست) تا آنجا پیش می‌رود که توده‌ای از مردم خشم خود را علناً و عملاً بدون در نظر گرفتن وجود دولت ابراز می‌کنند. حتی طرفداران خود حسن روحانی و اصلاحات هم می‌دانند که اگر سفارت به آتش کشیده نمی‌شد، باز هم حسن روحانی اقدامی جز فرستادن ظریف برای مذاکره ۱۰۰ انجام نمی‌داد، و البته بر همه مشخص است که عربستان قصدش از ابتدا قطع ارتباط با ایران بود که حمله کنندگان و حسن روحانی اینگونه به اقداماتش ایران را مجبور به دادن بهایي چون محکومیت در مجامع بین‌المللی کردند! در پایان نتیجه‌ای که می‌توان ارائه کرد این است که نه تنها حمله کنندگان به سفارت بلکه دولت حسن روحانی هم در این حمله به سفارت مقصر بوده‌اند.



# هیات شوق خدمت

علی یوسفی



متالورژی ۹۴

نفع شخصی منتهی می شود. یعنی من تا موقعی در این جمع هستم که برای من فایده ای داشته باشد. اگر کسی را دوست دارم برای خودم دوست دارم. خوب این دوست داشتنها نهایتاً باید به دردم بخورد دیگر! آیا با این نگاه می‌توان همه را دوست داشت؟! محبتی بی دریغ که تبدیل به دغدغه شود، به احساس مسئولیت در برابر دیگران بینجامد و به شوق خدمت به هم نوعان تبدیل شود. آیا اصلاً چنین ارتباطی، چنین محبتی، چنین مسئولیت پذیری اجتماعی امکان پذیر است؟! بلکه امکان پذیر است. تنها در صورتی افراد می‌توانند تمام و کمال به هم محبت کنند که همه آنها در محبت به یک نفر دیگر مشترک باشند و آن یک نفر آنها را از «من» بودن و منیت آزاد کرده باشد. خوب چه کسی است که همه مردم می‌توانند بپذیرند که در محبت به او مشترک باشند و واقعاً ارزش آن را داشته باشند؟! چنین کسی فقط و فقط خدا می‌تواند باشد و همراه ذات باری تعالی، اولیاء خدا که «هم فاطمه و ایها و بعلها و بنیها» اینجاست که اهل بیت خود می‌فرمایند: «حنا اهل البیت حب الله» (محبت ما اهل بیت محبت خداست). حالا اگر یک عده حول این محبت دور هم جمع شوند هدف آن اجتماع هم دیگر «من» نخواهد بود بلکه در راستای همان محبت اهل بیت و محبت خدا و در نتیجه عبودیت خدا قرار می‌گیرد. وقتی اهداف یک جمع این ذوات مقدس قرار می‌گیرد اینجاست که گذر کردن از خود راحت می‌شود و روابط اجتماعی این افراد بر پایه حب و بغض اهل بیت شکل می‌گیرد. پس از خود گذشتگی دیگر کار سختی نیست چون «من» دیگر

وجود ندارد. محبت ها بی دریغ می شود و انسان از صمیم قلب آزادی و سعادت همه ی انسان ها را می‌خواهد. چون همه آنها بنده خدا هستند و خدا بندگان را به حدی دوست دارد که می‌فرماید اگر بندگان من می‌دانستند که من تا چه اندازه مشتاق بازگشت آنان به سوی خودم هستم از شوق می‌مردند و بندبند وجودشان از هم می‌گست. بلکه... جمعی که حول محور محبت اهل بیت جمع شده باشند حقیقتاً به حب الله چنگ زده اند و آنها هستند که در طوفان بلا ها و گردابهای مصائب دنیا مسافران کشتی نجات اباعبدالله هستند. اجتماعی که اکثر ما آن را معمولاً با نام هیئت می‌شناسیم. هیئتی که هم مبدا است و هم مقصد. مبداً است چون قرار است با توشه آن خودمان را بسازیم و به عرصه جامعه وارد شویم و برای اهدافمان مبارزه کنیم. و نقطه ی شروع حرکت ها و نهضت هاست. و مقصد است چون در نهایت همه این کارهای ما باید به رضایت اهل بیت به خدای متعال ختم می‌شود و اگر نه ذره ای ارزش نخواهد داشت. ما نیز در فضای دانشکده خودمان جمعی دوستانه حول معارف و محبت اهل بیت تشکیل داده‌ایم. هر هفته سه شنبه شب ها دور هم جمع می‌شویم و از سخنان استاد ارجمند حاج آقای امینی خواه استفاده می‌کنیم و ذکر و مناجات مختصری هم برقرار است. باشد که مورد رضایت حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه) و مرضی رضای حضرت زهرا (سلام الله علیها) قرار بگیرد. ان شاءالله.

# و عده های دروغین

## فرهنگ نگار

فرج هایشان بودند با حل مشکلاتشان و طمع مالی دست از یآوری که برای یاری آنان آمده بود کشیدند و او را تنها گذاشتند، معنای این گفته ی امام معصوم که می‌گویند؛ کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا این است که در تمام لحظات مظلومی که به یاری خدا برخواسته تنها مانده است و یآوری ندارد و چه کسی مظلوم تراز امام زمانی که بیش از ۱۴۰۰ سال است که منتظر آمده شدن شیعیان است به راستی تا چه زمانی باید صبر کند که افرادی مانند عباس (ع) و حبیب هابیابند آیا این خجالت بزرگی برای آنان نیست که خود راشیعه می‌نامند ولی برای یاری امام خود نه تنها آماده نشدند بلکه دارند با گناهایشان دل او را می‌شکنند به ایشان اعلام می‌کنند که اگر میایی خوب بیا ، دیگر چون مامشکلات زیادی داریم بیا و آنان راحل کن و در ضمن ما را یاور خودخواهی دید چون ما فرج رادر گشایش کارهایمان می‌دانیم نه گشایش در درد دوری فرزند از پدر و نبودن رهبر و امام معصوم (ع) آیا واقعا شما فرج رادر چه چیزی می‌دانید و جز کدامیک از نویسندگان نامه به امام زمان هستی که بیا؟ آیا مانند حبیب مظاهر از شیعیان هستی یا از کسانی که ادعای شیعه بودن می‌کنند و امام را تنها می‌گذارند، واقعا این انتظار طولانی شده است برای امام زمان (عج)، چرامدمی که ادعای شیعه بودن می‌کنند غیرت و همت خود را برای آمدن یگانه منجی عالم بشریت نشان نمی‌دهند واقعا چرا! خدایا مآزاد زمره ی یارانش قرار بده و آرزوی دیدارش را بر دل ما مگذار (عجل الولیک فرج)

## سپدهای حسین

## مهنا سه شیمه ۹۴

ابتدایه معنی فرج دقت می‌کنیم سپس انواع فرج را بیان و بعد به وجه شبه شیعیان و منتظران دورغین در زمان حال و زمان اسلام حسین (ع) و قیام امشان می‌پردازیم و به رابطه ی فرج با کشته شدن امام زمان کوفیان می‌پردازیم تعریف فرج به طور کلی فرج یعنی گشایش در کارها، خوب باید سوال شود در چه کاری؟ هر فردی که خواستار فرج است فرج را در آن چیزی می‌بیند که دغدغه آن شده است و برای حل آن عاجز شده است؛ خوب می‌دانیم این مسئله با آمدن منجی حل می‌شود، مشابه انتظار کوفیانی که نامه های زیادی به امام حسین (ع) نوشتند و خواستار آمدن امام و فرج بودند؛ دسته بندی شیعیان شیعه سیاسی؛ بیشتر کوفیان امام حسین(ع) را به عنوان یک سیاستمدار دینی قبول داشتند و خواستار حکومت ایشان بودند این دسته افراد را که جز تشیع سیاسی بودند فرج رادربه قدرت رسیدن امام حسین(ع) می‌دیدند و بعضی از افراد امام را به عنوان مرجعیت دینی قبول نداشتند مانند زمان خلافت امام علی (ع) که همه عدالت را دوست داشتند، ولی بیشترشان برای تداوم عدالت و پیروی در شرع دین سست بودند و علی (ع) را تنها گذاشتند شیعه ی حتی: عده ای نیز امام حسین (ع) را به خاطر فضایلش و قرابت او به پیامبر(ص) دوست داشتند و حتی

امام حسین (ع) را به خاطر فضایلش و قرابت او به پیامبر(ص) دوست داشتند و حتی برای ظلمی که به او شده بود گریه می‌کردند ولی توجه کنید فقط دوست داشته این افراد هم نامه نوشته که امام حسین(ع) بیایند و مشکلاتشان راحل کنه این افراد زیادند و خود راشیعه نیز می‌نامند مانند افرادی که در زمان می‌کرده











علی اصغر قنبری

صنایع ۹۳

صدای قه قه بلند میآید، توجه همه جلب شد به تعدادی دختر که گویا از شدت خنده نمیدانستند چه باید بکنند، از سینما میآمدند و میخندیدند و میرفتند؛ اما نمیدانستند که پیرمرد زیر لب غرولند کنار چه گفت یا دوستانم پشت سرشان و من فرورفته در فکر سنگی که آنان به قفس افکارم زدند و باعث لرزشش شدند، بودم، قفس افکاری که به من میآید خندیدن، سینما رفتن، استخر رفتن از آن پسران دردانه است نه از آن دختران. این قفس چنان هوشمندانه توجه دیگران را پرت کرده که خودش هیچ جا نیست شاید ترس از واقعیت، انسانی را از باور وجود قفس دور میکند قفس برای هر کس و هر شرایطی متفاوت است گاه عقاید و خرافاتی است که فکر میکنیم فقط برای ما درست است یا ترسی است که سبب منفعل شدنمان میشود، یا ترس از حرف های مردم در پشت سرمان، یا ترس از تمسخر دیگران. حتی تمسخر دیگران توسط ما، شهادی است بر قفس افکارمان! قفس چنان قوی است که اگر کسی طبق سلاطین یا علایق ما رفتار نکند تمسخرش میکنیم! آیا آزادی جز بزرگ کردن این قفس نیست؟ حتی نمی توانیم نبودش را تصور کنیم! آزادی مفهومی انتزاعی و مظلوم است که باید در حیطه فکر، عملی شود و انسان را از این قفس برهاند آنگاه است که اگر دین هم نداشته باشد، آزاده سوی حق (نظم، درستی) می رود. آزادی و حجاب: شاید عنوان درستی نباشد؛ ولی منظور قفس مرتعش می باشد: طبق قرآن و آیه حجاب! اگر مرد نگاهش را حفظ کند؛ نگاه که از فکر میآید نه از چشم؛ که اگر فکر آزاد باشد چشم تسلیم می شود و تعظیم میکند و سر به زیر میشود! اگر فکر مردان درست بود؛ نگاهشان درست میشد و جامعه درست میشد؛ چرا که ابتدا دستور برای مردان آمده است. از آن طرف اگر زن ها فکرشان آزاد بود چه می شد؟ دکتر شریعتی میگوید: «زنی که آزادی اندیشه پیدا کرده باشد؛ زیبایی بدنش را نشان نمیدهد» زنی که فکرش به جای برهنگی و تبرج، آزاد شود و به تفریحات، توانایی ها و امکاناتش برود؛ می شود زینب، می شود ماری کوری، می شود یک دانشمند، ورزشکار، سیاست مدار یا در بهترین حالت می شود قهرمان، می شود مادر! در معنا والاتر میشود مادر، پدرش، فرزندش و امتش! «قفس افکار آنچه قوی بوده که گاهی زن در یونان ابزار مطلق جنسی شده یا در چین جسدی یک در نیم یا در عرب ننگ شمار رفته است!» اما اینها خوب است ولی اکنون در تبلیغات ابزار است. در اندیشه مخاطب و گاهی در فکر خود زن، زن ابزار است این بدتر از یونان است یا زیبایی جعلی از جعبه های نیم متری چینی بدتر است و یا اینکه دختر نباید بخندد، نباید تفریح کند از زنده به گور کردنش بدتر است! و بدتر این است که آن ها، اتوپهای خود را در برابری با مردها میدانند! حجاب قرآنینی خط بطلان بر همه اینها و در سنت ام ایبهای پیامبر، ناز کشیدن ها و تعریف کردن هایش از دخترش، زن دوستی اش ۳، گفتمان های طولانی اش با عایشه برای همین بوده و

هست! و اما چرا اجباری؟ چرا قانون؟ قانون چیست؟ می گویم قفس هست و میباشد، نابود نمیشود؛ یعنی آزادی به معنای مطلق ایجاد نخواهد شد. چرایی آن این است که جهان طبیعت بر نظم و حقوقی است که حق هر چیزی عادلانه ۴ در جای خودش قرار دارد و قانون یعنی هر آنچه که حقوق طبیعی انسان و ماسوی را کشف میکند، تعیین میکند و لازم الاجرا میکند تا عادلانه حمایت شوند و همگان در مقابلش یکسان باشند، و چون جهان، طبیعت است و قانون برای آن، پس انسان ملزم بر وفق دادن خود با طبیعت است و این یعنی محدودیت! شاید باید گفت قانون مجموعه ای از محدودیت هایی است برای مصونیت! اگرچه هنوز برخی از این محدودیت ها کشف نشده اند! و این نه تنها سخن افلاطون و ارسطو، سیرون نیست؛ بلکه سخن اسلام هم هست. دکتر شریعتی میگوید: «آنچه من در مساله حساس و پیچیده زن در جامعه، میتوانم از اسلام استنباط کنم، این است که اسلام، در عین حال که با تبعیضات موجود میان زن و مرد بشدت مبارزه کرده است، از مساوات میان این دو جانبداری نمیکند و به عبارت دیگر نه طرفدار تبعیض است نه معتقد به تساوی؛ بلکه میکوشد هر یک را در جایگاه طبیعی خویش بنشاند. تبعیض را جنایت میدانند و تساوی را نادرست. با آن انسانیت مخالف است و با این طبیعت. «۵ اینست که میبینیم زن ریحانه است و استقلال مالی دارد و خرجش وظیفه مرد است و از آن طرف دینه مرد دوبرابر زن است تا حق خانواده مرد اجحاف نشود ادیه زن نصف مرد نیست طبق حرف های مذکور، بنابراین حجاب در جامعه به طور باطنی یک قانون است که در زمان حال ثبت شده است. تاریخچه قانون حجاب: حجاب سبب می شود حقوق طبیعی انسانها به جایگاه اصلی شان برود و انسان بطور فطری دنبال قانون است؛ چرا که عضوی از طبیعت قانون مدار است. در گذشته در جوامع متمدن همچون ایران، مصر حجاب ارزش محسوب میشده است و در ادیان الهی نیز چنین بوده است؛ در زرتشت، یهود و مسیحیت و اسلام! ۷ سال پس از بعثت، آیه نازل می- شود و پیامبر با اینکه جامعه یهودی و مسلمان نیازی به فشار ندارند، می گوید: «حق شهادت و گواهی دادن در دادگاه از زن بی حجاب سلب می شود.» بی حجابی به عبارتی همان پوشش نامناسب که سبب خودنمایی می شود آسیب های جبران ناپذیر زیادی بر بنیان خانواده و حتی بر زنان که وفادار می باشند، می زند. بی حجابی از خودنمایی و خودنمایی از کمبود اعتماد به نفس و عاطفه میآید و در جامعه سبب فساد میشود برای همین است که حتی در جوامع غربی بدحجابی و خودنمایی مذموم است.

# فضای مجازی

## آسیب ها و راهکارها



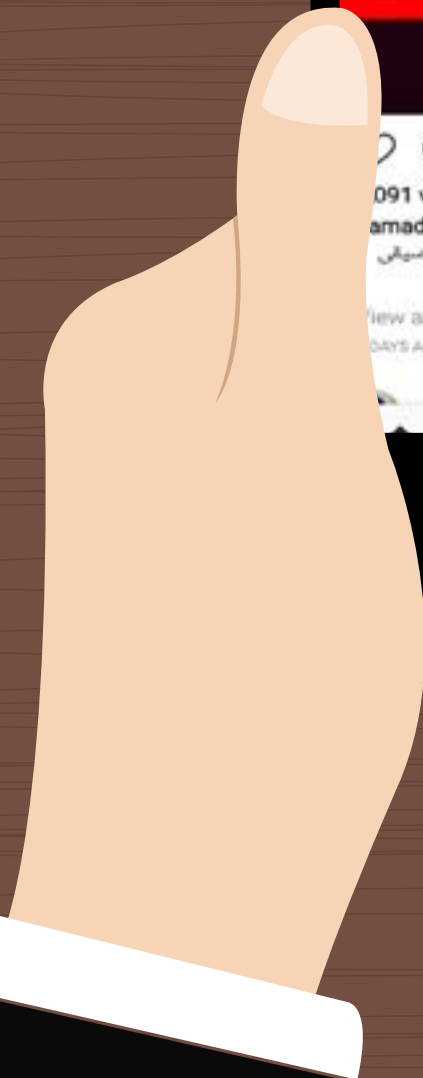
مرتضی ساعی

موافقا ۹۵

مقام معظم رهبری: ((به اعتقاد من امروزه ذکر مستحبی بعد از نماز کار فرهنگی و جهادی در فضای مجازی است.)) امروزه با قرار گرفتن بسیاری از مباحث و مطالب در حوزه های مختلف مورد نیاز بشر در درون این شبکه جهانی ضرورت استفاده از قابلیت ها و امکانات آن برای همه افراد و سازمان ها ضروری به نظر میرسد. مراحل رشد و تکامل اینترنت را باید در قالب وب های سه گانه از جهان مجازی تحقیقت دانست. فضای مجازی فضایی که به اندازه هزار میلیارد کتاب در آن مطلب وجود دارد به یکباره به وجود نیامده بلکه مراحل سه گانه ای را طی کرده که به شرح زیر است: (۱) خبرگزاری ها: خبرهای منتشر شده را انسان استفاده میکرد و تولیدکننده خبر نبود. (۲) وبلاگ ها و وبسایت ها: افراد هم تولیدکننده وهم مصرف کننده بودند. (۳) فضای آنلاین: مانند شبکه های اجتماعی که امروزه در همه جای دنیا افراد با هر سن و سالی از آن استفاده می کنند. آسیب های فضای مجازی: همانطور که می دانیم فضای مجازی مزایای متعددی دارد اما از سوی دیگر آسیب های متعددی هم دارد که از مهم ترین آنها آسیب های فردی و اجتماعی است. در ادامه به چند مورد از آسیب های این فضای نوظهور اشاره می کنیم: (۱) وجود بالای ۲۰۰ هزار ویروس رایانه ای (۲) دریافت نزدیک به ۸۰ درصد پیام های آنلاین از سوی افراد ناشناس (۳) حمله هکرها ۳۹ تا نیمی یک باره کامپیوترهای متصل به اینترنت (۴) فراموش کردن و رنگ باختن اخلاق و معنویت در اثروابستگی های کاذب و..... **راهکارها:** با توجه به نکات فوق و آسیب های پیش رویه چند راهکار جهت استفاده بهتر از این فضا اشاره میکنیم: (۱) به بحث های دینی و اعتقادی که علم و اطلاعات کافی درباره آنها نداریم ورود نکنیم زیرا بوده اند جوانان متدین و معتقدی که با انگیزه دفاع از اعتقادات خود وارد بحث در این فضا شده اند اما با خطر عدم توان مقابله در برابر شبهات تردیده دل راه داده و اعتقاد خود را از دست دادند. (۲) مطالب منتشر شده در فضای مجازی را بی دلیل و سند مستدل نپذیریم. (۳) آشنایی با افراد ناشناس در فضای مجازی را زمینه ارتباطات خارج از این فضا مانند دوستی و ازدواج قرار ندهیم. و..... از آنجاکه این فضا کثرت ساخته کشورهای غربی و استعمارگراست بنابراین دولت های آنها تمام سعی خود را برای ایجاد نفوذ و استعمار خود با استفاده از این فضا در دیگر کشورها می کنند. به این دلیل نباید زیاد ببریم که هر خبری را که در این فضای خوانیم باور نکنیم. به عنوان مثال خبر زیر را تا انتها بخوانید: توافق سپاه و امریکادر الباکایات سوریه بر سر باقیمانده اعضای داعش سردار عبدالله نژاد فلاح معاونت برون مرزی سپاه قدس در این باره گفت: در دیداری که با ژنرال کارلین مادرین در مرز سوریه و عراق بر سر انتقال باقیمانده اعضای گروه داعش داشتیم به این نتیجه رسیدیم که نیروهای امریکایی این اعضا را به دیارخوست در جنوب افغانستان منتقل کنند. با خواندن این خبر تعداد زیادی از رومی پذیرند و یا شاید دیگران هم منتقل کنند اما خوب است بدانید همه آنچه گفته شد ساخته ذهن نویسنده است و جالب تر آنکه اسامی بالا یعنی ژنرال مادرین و سردار عبدالله نژاد فلاح و همچنین مناطق الباکایات در سوریه و دیارخوست در افغانستان وجود خارجی ندارند.



# اینستاگردی





# بر قله ها را افشار

## گروه کوهنوردی شهید علم الهدی

محمد رستگار فر



صنایع ۹۴

برین شاید بعضی بچه ها کم بیارن گفت باشه یکم که رفتیم دیدم داره نفس نفس میزنه به بچه ها گفتم یکم استراحت کنیم استراحتو که کردیم گفتم بچه ها حرکت کنیم دیر میشه راه افتادیم سمت قله یکم که رفتیم دیدم حاجی عقب اومده و نشسته ابوالفضل اومد بهم گفت حاجی بدنش گرفته شما برین ما یواش یواش میایم گفتم باشه پس منتظرتونیم حرکت کردیم تا این که بعد از نیم ساعت رسیدیم به قله دو نفر خیر که اونجا بودن و از قبل میشناختمشون وهر هفته اونجا بودن بهمون چایی تعارف کردن بعد از اینکه چایی خوردیم و چندتا عکس گرفتیم به بچه ها گفتم به نظرتون حاجی میتونه خودشو برسونه؟ ... بچه ها با یه لحنی خندیدن که متوجه منظورشون شدم... ابوالفضل زنگ زد گفت کی میخواین بیاین؟... گفتم تا چند دقیقه دیگه حرکت میکنیم... بچه ها روصدا زدیم گفتم بریم که دیر میشه و حاجی هم منتظره... راه افتادیم ابوالفضل رو تو راه دیدیم همراهش رفتیم تو مسیر برگشت گرد و غبار شدیدی بلند شده زورشون به قدری بود که میتونست قشنگ هولمون بده ... یه تانکر آب اونجا بود رفتیم پشتش پناه گرفتیم... یکم که اوضاع آروم شدیم حرکت کردیم تا رسیدیم به حاجی که تو ماشینش نشسته بود ... منتظر ون بودیم . که بیاد ما رو ببره اما...بچه ها گفتن اسنپ بگیریم مثل اینکه خبری از ون نیست همون لحظه صدای اذان از مسجدی که اونجا به گوش رسید حاجی یه زیر انداز و به بطری آب آورد بچه ها وضو گرفتن و نماز جماعت رو برپا کردن بعد از اینکه نماز تموم شد ون رسید من که به خاطر دیر اومدنش خیلی دلخور بودم به بچه ها گفتم به راننده هیچی نگین مشکل از ناهماهنگی مسئولشونه ... از حاجی خدا حافظی کردیم و سوار ون شدیم و برگشتیم سمت دانشگاه...واین بود گزارش این هفته ی ما ...

متنی که قراره بخونین گزارشی از کوهنوردی گروه کوهنوردی شهید علم الهدی در روز جمعه هفدهم آبان که تقدیم نگاهتون میشه برنامه ریز یامو برای روز جمعه کرده بودم که همه چیز درست انجام بشه. برای همین ساعت ۶ صبح بیدار شدم و ۶:۳۰ باموتور از خونه به مقصد دانشگاه حرکت کردم بر خلاف صبح روزی قبل هوا خیلی سرد نبود همین باعث شد زود برسم دانشگاه یه راست رفتم دانشکده مهندسی تا اقلام رو بردارم و بیارم میدون علوم که قرار بود بچه ها رو سوار کنیم ببریم کوه های خلج ساعت ۷:۲۰ یه ون اومد دنبالمون و تا ۷:۳۰ منتظر اومدن بچه ها بودیم موتورمو قفل کردم سوار ماشین شدم ۱۱ نفر شدیم که دونفرم تو راه سوار کردیم و رفتیم سمت مقصدمون وقتی رسیدیم ساعت ۷:۵۵ بود به حاج آقای امینی خواه گفته بودم ساعت ۸ اینجا باشه با ابوالفضل اقلام ( کیک و آب میوه ها ) رو بین بچه ها تقسیم کردیم به بچه ها گفتم شما کم کم حرکت کنین من منتظر حاجی میمونم حاجی کمی با تاخیر رسید با هم دیگه رفتیم سمت بچه ها یه خوش وبش کوچیک کردیم و به حاج آقا گفتم بره جلو دار گروه بشه اولاش خوب بود حاجی تند میرفت به حاجی گفتم بعد از مدت ها داریم میایم کوه یکم آروم تر

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

اسناد و آئین نامه ها • دستور العمل نشریات دانشگاهی

در سایت سند • [sanad.um.ac.ir](http://sanad.um.ac.ir)

لیست نشریات فعال

نحوه ثبت آرشيو نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

آرشيو کامل نشریات دانشجویی

اخبار و اعلان های خانه نشریات

نحوه درخواست مجوز نشریه